

شرط سقوط حق در قرارداد بیمه*

محمود کاظمی**

دانشیار گروه حقوق خصوصی و اسلامی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

محسن ایزانلو

دانشیار گروه حقوق خصوصی و اسلامی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

محمد کربلایی

دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

چکیده

در قرارداد بیمه، در فرض تحقق شرایط قراردادی، بیمه‌گر متعهد است به تعهد خود، دایر بر جبران خسارت یا ... عمل کند. گاه به‌رغم تحقق شرایط مطالبه حقوق قراردادی برای بیمه‌گذار (تحقق خطر قراردادی)، بر مبنای تحقق امری که نوعاً نقض تعهد از سوی بیمه‌گذار است، بیمه‌گر از تعهد خود معاف می‌شود که از آن به «سقوط حق» تعبیر می‌شود؛ یعنی سقوط حق بیمه‌گذار نسبت به جبران خسارات یا دریافت حقوق بیمه‌ای. مبنای این سقوط حق، می‌تواند حسب مورد حکم قانون یا شرط قراردادی باشد. در نظام‌های حقوقی خارجی (فرانسه و انگلستان) اعتبار شرط سقوط حق در قرارداد بیمه محدود به موارد خاص و منوط به رعایت شرایطی است. در حقوق ایران در ماده ۱۵ قانون بیمه، این حکم در مورد تعهد اطلاع‌رسانی وقوع حادثه و تلاش در جهت مقابله با خسارت، پیش‌بینی شده است، اما در خصوص اینکه آیا طرفین قرارداد بیمه می‌توانند در ضمن قرارداد در سایر موارد بر این امر توافق کنند یا باید آن را محدود به موارد مصرح قانونی دانست، نصی وجود ندارد. افزون‌بر این در خصوص ماهیت حقوقی این شرط قانون ساکت است. سؤال بنیادین آن است که ماهیت حقوقی این شرط چیست؛ همچنین شرایط صحت و اعتبار آن کدام است. به‌نظر می‌رسد باید ماهیت آن را یک نوع «شرط سقوط تعهد» و در قالب اسباب سقوط تعهدات تحلیل کرد و نمی‌توان آن را «شرط عدم مسئولیت» دانست و اعتبار این شرط در ضمن قرارداد بیمه را باید بر مبنای اصل آزادی قراردادی توجیه کرد.

واژگان کلیدی: ضمانت اجرای سقوط حق، ابراء معلق، تهاتر، شرط کاهش تعهد، شرط عدم مسئولیت.

* مقاله مستخرج از رساله دکتری «ضمانت اجرای سقوط حق در حقوق بیمه» است.

** نویسنده مسئول

۱. مقدمه

هدف از انعقاد قرارداد بیمه آن است که در فرض خاص، خطر تحمل خسارت از یک طرف قرارداد (بیمه‌گذار) به طرف دیگر (بیمه‌گر) منتقل شود. در این قرارداد، بیمه‌گر در مقابل دریافت حق بیمه، جبران خسارت یا پرداخت مبلغ معینی را در فرض تحقق حادثه خاص، بر عهده می‌گیرد و در مقابل بیمه‌گذار با پرداخت حق بیمه، جان یا مال خود را در مقابل وقوع زیان، بیمه می‌کند یا مسئولیت خود یا دیگری را در قبال خسارات وارد بر غیر تحت پوشش بیمه قرار می‌دهد. با انعقاد قرارداد، طرفین باید به مفاد آن پایبند باشند و به تعهدات خود عمل کنند (ماده ۲۱۹ قانون مدنی) و در صورت نقض تعهد از سوی یکی از طرفین ضمانت اجراهای متعددی در اختیار طرف مقابل است، اما در قرارداد بیمه در فرض نقض تعهد از سوی بیمه‌گذار، برای اجتناب از تحمل هزینه‌های سنگین اقامه دعوا و پیگیری مطالبات، شرکت‌های بیمه ترجیح می‌دهند در ضمن قرارداد بیمه، ضمانت اجرای نقض تعهد بیمه‌گذار را به‌نحوی پیش‌بینی کنند که از اجرای تعهد خود دائر بر پرداخت خسارت یا تحمل خطر معاف شوند. این امر با استفاده از مکانیسم «شرط سقوط حق» محقق می‌شود. پرسش بنیادین آن است که آیا از نظر حقوقی چنین شرطی در قراردادهای بیمه صحیح است؛ ماهیت حقوقی و شرایط اعتبار آن چیست. اهمیت بررسی «شرط سقوط حق» آنجاست که چنین شرطی در قراردادهای بیمه به‌صورت گسترده از ناحیه بیمه‌گران به‌کار می‌رود. درحالی‌که مفاد این شرط، سقوط مهم‌ترین اثر قرارداد بیمه (یکی از دو مورد آن)؛ یعنی «تعهد بیمه‌گر به جبران خسارت» است. افزون‌بر آن تبیین ماهیت حقوقی این ضمانت اجرا می‌تواند کمک شایسته‌ای به تبیین ابعاد مختلف این نهاد و شرایط تأثیر آن در رابطه حقوقی طرفین کند و موضع برتر بیمه‌گر در انعقاد قرارداد را با توجه به ماهیت الحاقی قرارداد بیمه تعدیل کند. خاستگاه این موضوع در حقوق فرانسه است و از آنجا به ادبیات حقوقی ما راه یافته است. در این خصوص اگرچه تحقیقات کلی انجام شده است، اما کتاب یا مقاله‌ای که به‌صورت اختصاصی به این موضوع پرداخته باشد، در زبان فارسی وجود ندارد.

۲. مفهوم و ماهیت حقوقی شرط سقوط حق در قرارداد بیمه

سقوط حق یک نهاد خاص است و به‌رغم شباهت با مفاهیمی همچون تعلیق تضمین^۱ و شروط استثنا در قرارداد بیمه^۲ و فسخ^۳ و انحلال قرارداد بیمه به‌دلیل انقضای مدت آن^۱ از آنها متمایز است.

1. Suspension De La Garantie
2. Exclusions De Garantie
3. Résiliation

۲.۱. مفهوم شرط سقوط حق

سقوط حق^۱ به معنای محرومیت صاحب حق از اعمال آن است که به‌عنوان تنبیه بر او تحمیل می‌گردد (Mayaux, 2007: 58).^۲ سقوط حق یا منشاء قراردادی دارد؛ مانند آنکه در قرارداد قرض شرط شود، اگر وام‌گیرنده به‌رغم اخطار رسمی از پرداخت یکی از اقساط وام خودداری ورزد، از فرصت بازپرداخت به‌صورت اقساط محروم شود و باید تمام مبلغ وام را یکجا تسویه کند. همچنین ممکن است در مواردی قانون سقوط حق را پیش‌بینی کند. بند ۲ ماده ۴۲ قانون تجارت فرانسه به سقوط حق اعتراض سهامداری که در مدت معین به تصمیمات مجمع عمومی اعتراض نمی‌کند، اشاره دارد. بر این اساس، سقوط حق در حقوق بیمه فرانسه به این معناست که در ضمن قرارداد بیمه شرط شود، در فرض نقض تعهد معینی از سوی بیمه‌گذار (برای مثال عدم اطلاع‌رسانی به‌موقع حادثه، یا عدم انجام فعلی معین) به‌رغم تحقق خطر موضوع قرارداد^۳، بیمه‌گذار از دریافت خسارت محروم گردد، یا تعهد بیمه‌گر به جبران خسارت او ساقط شود. در نتیجه بیمه‌گذار از حق اقامه دعوا جهت مطالبه حق خود محروم می‌شود (Lambert-Faivre, 2017: 427). سقوط حق در قرارداد بیمه دفاع یا ایرادی است که به بیمه‌گر اجازه می‌دهد با وجود تحقق خطر مندرج در قرارداد و وقوع حادثه، از انجام تعهد خود معاف گردد و وسیله‌ای برای تضمین اجرای مؤثر تعهد قراردادی بیمه‌گذار است (Sautel, 1999: 487). شرط سقوط حق می‌تواند به‌عنوان ضمانت اجرای عمومی تعهدات بیمه‌گذار قبل، حین یا پس از حادثه موضوع قرارداد به‌حساب آید، اما از آنجا که این ضمانت اجرا معلق به نقض تعهد از سوی بیمه‌گذار است، به‌طور معمول پس از وقوع حادثه موضوع قرارداد بیمه، فعلیت پیدا می‌کند (Lambert-Faivre, 2017: 428). بنابراین، سقوط حق، یک ضمانت اجرای قراردادی با هدف حذف حق تضمین است. قانونگذار فرانسوی در قانون بیمه، موارد سقوط حق را مقرر نداشته، لیکن حق بیمه‌گر برای درج یک شرط سقوط تعهد را به رسمیت شناخته است.^۴ شرط سقوط حق در نظام کامن‌لا، بیشتر در قالب «شروط وارانته» مورد بحث قرار گرفته است. «وارانته» در کامن‌لا به‌طور عام و در قرارداد بیمه به‌طور خاص معانی متفاوت و مختلفی دارد.^۵ در مفهوم عام در قراردادها، وارانته به معنای تضمین وجود امری در موضوع قرارداد است که

1. Extinction

2. Decheance

3. La déchéance est la privation d'un droit subjectif à titre de sanction envers son titulaire

4. la Sinistre

5. Article L112-4 Code Assurance : Les clauses des polices édictant des nullités, des déchéances ou des exclusions ne sont valables que si elles sont mentionnées en caractères très apparents.

6. Warranty

۷. وارانته نخست در حوزه شبه‌جرم یا مسئولیت مدنی کاربرد دارد و اساساً مرتبط با قرارداد نبوده است. مفهوم دیگر وارانته در حقوق قراردادهای کامن‌لا «مفاد فرعی قرارداد» است (Barker And Pad field, 2006: 132).

طرف مقابل به وجود آن اعتماد کرده است (Compel, 1991: 1586). برای مثال هرگاه در قرارداد بیع با بیع به‌طور صریح یا ضمنی یا به حکم قانون ویژگی یا صفت خاصی را در مبیع تضمین کند، به‌گونه‌ای که آنچه فروخته شده مطابق با آنچه ارائه شده، باشد، گفته می‌شود که وارانته نسبت به آن وجود دارد (Compel, 1991: 1234). «وارانته» در قراردادهای غیر بیمه، به‌عنوان یکی از انواع شروط ضمن عقد است که نقض آن از سوی متعهد، به متعهدله فقط حق می‌دهد که جهت جبران خسارت به ناقض رجوع کند، اما او حق فسخ قرارداد را ندارد؛ در واقع علیرغم نقض قرارداد توسط طرف قرارداد، زیان‌دیده هنوز متعهد به انجام تعهد قراردادی خود است (Beatson, 2010: 143). اما «شروط وارانته» در حقوق بیمه معنای متفاوتی دارد. منشأ ورود این اصطلاح در نظام کامن‌لا، قانون بیمه دریایی ۱۹۰۶ انگلستان است. مطابق بند ۱ ماده ۳۳^۲ این قانون وارانته‌ها شروطی هستند که به موجب آن بیمه‌گذار متعهد می‌گردد از انجام برخی افعال خودداری کند یا فعل معینی را انجام دهد یا در برخی شرایط، حالات یا موقعیت خاصی را به‌صورت مثبت یا منفی تأیید کند، به‌گونه‌ای که نقض آن تعهد منتهی به معافیت بیمه‌گر از اجرای تعهد خود می‌گردد. بدین ترتیب لازم است بیمه‌گذار به موجب وارانته دو گونه تعهد را احراز کند: اول در خصوص حقایق موجود که براساس آن بیمه‌گذار وجود صفات خاص یا مجموعه‌ای از شرایط را تضمین می‌کند؛ برای مثال تعهد و تضمین می‌کند ملک موضوع بیمه‌نامه از سیستم اطفای حریق برخوردار باشد (Romanova, 2015: 7). دوم وارانته که به موجب آن بیمه‌گذار، متعهد به انجام یا خودداری از انجام کاری می‌گردد. برای مثال متعهد می‌شود با بیست نفر خدمه دریانوردی کند.^۳ ضمانت اجرای نقض وارانته، معافیت بیمه‌گر از تعهد جبران خسارت از لحظه نقض وارانته است. مطابق بند ۲ ماده ۳۳ وارانته‌ها به دو دسته صریح و ضمنی تقسیم می‌گردد. آنچه از قانون بیمه دریایی ۱۹۰۶ انگلستان^۴ در خصوص نقض وارانته قابل استنباط است، هرگاه بیمه‌گذار مرتکب نقض وارانته شود، هرچند این نقض ارتباطی با خسارت وارده نداشته باشد و حتی اگر نقض وارانته جبران شود، بیمه‌گر به‌صورت خودکار از تعهد جبران خسارت معاف می‌گردد. این ضمانت اجرا بسیار سنگین و ناعادلانه به نظر می‌رسد. به همین سبب در قانون بیمه ۲۰۱۵ انگلستان^۵ اصلاحات زیادی در قانون بیمه از جمله موضوع وارانته‌ها و نقض آن در مواد ۱۰ و ۱۱ ایجاد شده است. مطابق

۱. در حقوق کامن‌لا مفاد قرارداد عموماً به سه دسته کاندیشن، وارانته و مفاد بی‌نام تقسیم می‌شود.

2. A warranty, in the following sections relating to warranties, means a promissory warranty, that is to say, a warranty by which the assured undertakes that some particular thing shall or shall not be done, or that some condition shall be fulfilled, or whereby he affirms or negatives the existence of a particular state of facts.

3. <http://www.march.com>, Adviser: The Insurance Act 2015- Warranties and Other Term

4. Marine Insurance Act 1906

5. Insurance Act 2015

آخرین اصلاحیه، صرف نقض وراثتی سبب سقوط تعهد بیمه‌گر نخواهد شد، بلکه ضمانت اجرای نقض وراثتی، تعلیق تضمین و در موردی که بی‌ارتباط با خسارت وارده باشد، اثری بر تعهد بیمه‌گر نسبت به جبران خسارت ندارد. در حقوق بیمه ایران سقوط حق مطالبه جبران خسارت در دو مورد «عدم مقابله با خسارت» و «عدم اطلاع‌رسانی حادثه معین» در قانون بیمه (ماده ۱۵ قانون بیمه ۱۳۱۶)^۱ پیش‌بینی شده است (کریمی، ۱۳۹۹: ۱۳۰). البته قانونگذار در ماده ۳۵، آزادی طرفین برای توافق نسبت به هر شرطی دیگر غیر از تقلیل موعد مذکور در ماده ۱۶ قانون بیمه را به رسمیت شناخته است. مطابق ماده ۳۵ قانون بیمه ایران: «طرفین می‌توانند در قراردادهای بیمه هر شرط دیگری بنمایند. لیکن موعد مذکور در ماده ۱۶ را نمی‌توانند تقلیل دهند، ولی ممکن است موعد را به رضایت یکدیگر تمدید کنند».

۲.۲. ماهیت حقوقی شرط سقوط حق

در خصوص ماهیت حقوقی شرط سقوط حق دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد؛ شباهت آن با «شرط عدم یا تحدید مسئولیت»، برخی را بر آن داشته است که آن را با این نهادها یکسان بدانند. در این قسمت دیدگاه‌های مختلف در خصوص ماهیت شرط سقوط حق را بررسی می‌کنیم.

۲.۲.۱. شرط سقوط تعهد یا کاهش آن^۲

شروط ناظر بر کاستن از تعهدات قراردادی، «شروط کاهش تعهد» نامیده می‌شوند (کاتوزیان، ۱۳۹۲، ج ۴: ۲۸۱). موضوع این نوع شروط، نفس تعهد است. تعهد رابطه حقوقی الزام‌آوری است که بین دو شخص برقرار می‌گردد که به موجب آن شخصی در برابر دیگری ملتزم به انجام فعل، ترک فعل یا تملیک مال می‌گردد (Weill, 1971: 1). هرگاه از جانب منفی به این رابطه نگریسته شود، به آن «دین»^۳ و از جانب مثبت به آن «طلب»^۴ یا «حق دینی»^۵ می‌گویند. در قراردادها ممکن است به حکم قانون یا عرف تعهداتی بر عهده طرفین قرار گرفته باشد که به‌صراحت در آن ذکر نشده و در صورت سکوت طرفین، در حکم تصریح در قرارداد بوده و طرفین ملتزم به آن

۱. ماده ۱۵: «بیمه‌گذار باید برای جلوگیری از خسارت مراقبتی را که عادتاً هر کس از مال خود می‌نماید نسبت به موضوع بیمه نیز بنماید و در صورت نزدیک شدن حادثه یا وقوع آن اقداماتی را که برای جلوگیری از سرایت و توسعه خسارت لازم است به‌عمل آورد. اولین زمان امکان و منتهی در ظرف پنج روز از تاریخ اطلاع خود از وقوع حادثه، بیمه‌گر را مطلع سازد و الا بیمه‌گر مسئول نخواهد بود، مگر آنکه بیمه‌گذار ثابت کند که به‌واسطه حوادثی که خارج از اختیار او بوده است اطلاع به بیمه‌گر در مدت مقرر برای او مقدور نبوده است».

2. Les Clauses Allegeant Les Obligation

3. Dette

4. Créance

5. Droit de Créance

هستند. اما طرفین قرارداد می‌توانند با توافق یکدیگر، برخی از آن تعهدات را از عهده خود ساقط کنند. همچنین ممکن است، تعهدی به‌صراحت در قرارداد ذکر شده باشد، اما بعداً متعهد تمایل به اسقاط آن داشته باشد که می‌تواند با موافقت طرف مقابل آن را ساقط کند، یا متعهدله از آن صرف‌نظر نماید. برای مثال در ماده ۲۸۱ ق.م.ایران تصریح شده که مخارج اجرای تعهد بر عهده متعهد است، مگر آنکه شرط خلاف شده باشد. پس اگر در قراردادی فروشنده شرط کند که هزینه حمل یا بسته‌بندی مبیع که قانوناً بر عهده اوست، بر عهده مشتری باشد، این مصداق شرط سقوط تعهد خواهد بود. چنین شرطی در حقیقت به خود تعهد (از طریق حذف آن) تعلق می‌گیرد. شرط کاهش تعهد می‌تواند به‌جای اینکه کیفیت تعهد را توصیف کند، به توصیف کمیت آن بپردازد؛ برای مثال متصدی حمل شرط می‌کند تعهد او، برخلاف معمول، با تخلیه بار خاتمه یابد. همچنین شرط ممکن است به حذف تعهد منتهی نشود و تنها وجود تعهد را معلق به انجام فعلی از سوی طلبکار کند؛ مانند آنکه صاحب هتل علیه مشتری شرط کند که جز در مورد اشیایی که مشتری آنها را به شخص او تحویل داده است، تعهدی در مراقبت از اشیای گرانبهای او نداشته باشد. تغییر طبیعت تعهد از «تعهد به نتیجه» به «تعهد به وسیله»، یا تغییر موضوع تعهد و به‌طور کلی هر نوع توافق بر تغییر یا تبدیل تعهد را باید از مصادیق «شرط سقوط تعهد» دانست. صرف‌نظر از استثنائات وارد بر اصل آزادی قراردادی (نظم عمومی و...)، شرط سقوط تعهد از حیث اعتبار از هر دو جنبه مثبت و منفی، مشمول اصل آزادی قراردادی است (ایزنلو، ۱۳۹۳: ۳۶)، زیرا چنانکه اشخاص در انعقاد قرارداد و ایجاد تعهد آزادند در اسقاط تعهد ایجاد شده، صرف‌نظر از منبع آن هم، آزادی کامل دارند. این آزادی در قالب «ابراء، تبدیل تعهد و اقاله» به‌عنوان قاعده در حقوق تعهدات مطرح و در قانون مدنی ایران نیز به آن تصریح شده است (مواد ۲۶۴، ۲۸۳، ۲۸۹ و ۲۹۲ ق.م.ا.). به‌ویژه در حقوق مالی قاعده اولیه بر جواز اسقاط آن است (کاتوزیان، ۱۳۹۱: ۵۳۶).

۲.۲.۳. تمییز شرط سقوط تعهد از شرط کاهش یا عدم مسئولیت^۱

شرط عدم مسئولیت مرکب از دو واژه حقوقی «شرط» و «مسئولیت» است. قراردادی که بین زیان‌دیده مسئول احتمالی آینده بسته می‌شود و به موجب آن مسئول از پرداختن تمام یا بخشی از خسارت معاف می‌شود، «شرط عدم مسئولیت» نامیده می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۷۹: ۱۸۴). شرط «سقوط تعهد» با شرط «تحدید یا عدم مسئولیت» متفاوت است و این تفاوت بر مبنای تمییز بین «تعهد» و «مسئولیت» توجیه می‌شود. در هر قرارداد دو نوع تعهد ایجاد می‌شود؛ تعهد

نخستین یا اولیه^۱ و تعهد ثانویه^۲. تعهدات نخستین، مولود مستقیم قرارداد هستند؛ خواه به دلیل آنکه طرفین به آنها تصریح کرده‌اند و خواه به سبب آنکه قانون آنها را، بر مبنای قصد مفروض طرفین به قرارداد منسوب می‌کند. تعهدات ثانوی در طول تعهدات نخستین واقع شده و موجود بالقوه قرارداد هستند که به دنبال نقض تعهدات نخستین ایجاد می‌شوند و در حقیقت ضمانت اجرای آن را تشکیل می‌دهند (Beale, 1990: 159). هنگامی که تعهدی از سوی متعهد نقض شود، یک تعهد ثانویه بر عهده او ایجاد می‌شود که موضوع آن، جبران خسارت وارد بر متعهدله است؛ از این تعهد ثانویه به «مسئولیت» تعبیر می‌شود. از حیث تاریخی واژه «مسئولیت»^۳ در قانون مدنی فرانسه تا قبل از ۲۰۱۶م. که قانون مدنی اصلاح شد، وجود نداشت. بلکه تنها واژه «تعهد» استعمال شده بود که برحسب منبع آن به قراردادی^۴ و غیر قراردادی^۵ تقسیم می‌شد (Viney, 1989: 16). زمانی که متعهد تعهد خود را نقض می‌کند، یک تعهد ثانویه برای او ایجاد می‌شود که ماهیت آن با تعهد اولیه متفاوت است. در حال حاضر عقیده بر آن است که منبع تعهد ثانویه قانون است، هرچند منبع تعهد اولیه قرارداد باشد و به همین سبب برای تمیز این تعهد ثانویه به دنبال نقض تعهد اولیه ایجاد می‌گردد، آن را «مسئولیت» نامیده‌اند والا از لحاظ جوهره و ماهیت «مسئولیت» هم نوعی «تعهد» است. زمانی که صحبت از «شرط عدم مسئولیت» یا «تحدید مسئولیت» می‌شود، منظور اسقاط یا کاهش این تعهد ثانویه است. اگرچه برخی فقیهان بین شرط «سقوط تعهد» و «سقوط مسئولیت» خلط کرده‌اند. به عنوان مثال تحلیل مرحوم صاحب جواهر در مورد توجیه «شرط برائت طیب» که در واقع همان «شرط سقوط یا عدم مسئولیت» در حقوق موضوعه است که در فقه با عنوان «شرط برائت» مورد مطالعه قرار می‌گیرد، در خور تأمل است. ایشان در مقام پاسخ به ایراد کلاسیک و سنتی که به لحاظ منطقی از سوی فقیهان سنت‌گرا بر جواز و اعتبار «شرط برائت» گرفته می‌شد و آن را مصداق «اسقاط مالم یجب» تلقی کرده، باطل می‌دانستند، «شرط برائت» را یک نوع «شرط سقوط تعهد» تلقی کرده است. ایشان در این خصوص مقرر داشته است: «... در صحت و اعتبار شرط برائت، دست‌کم در امور مالی نمی‌توان تردید کرد؛ شرط برائت به منزله اذن در اتلاف مال است که در برخی موارد [به دلیل منافع آن] از سوی عقلا انجام می‌گردد... به همین ترتیب است در مورد زیان‌های غیرمالی (جسمی و جانی) که به حکم شرع و عقل شخص مجاز به اعطای اذن در اتلاف یا اضرار است و آن موردی است که سیره عقلا بر آن قرار گرفته است؛ موضوع درمان بیماری از آن موارد است» (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۳: ۴۸). مفهوم سخن صاحب جواهر در مقام رد ایراد

1. Obligation Primaire
2. Obligation Secondaire
3. Responsabilite`
4. Obligation Contractuelles
5. Obligation Non Contractuelles

«اسقاط مال لم یجب» آن است که «شرط برائت» به این معنا نیست که اگر پزشک تعهد به «عدم اتلاف غیر، یا عدم اضرار به غیر» را در آینده نقض کرد و جسم یا جان دیگری را اتلاف کرد، پیشاپیش، «ضمان» یا همان «مسئولیت» ناشی از نقض آن تعهد، اسقاط گردد تا مصداق «اسقاط مال لم یجب» باشد، بلکه به منزله آن است که بیمار به پزشک اذن در اتلاف جسم او را بدهد، که نتیجه آن «سقوط تعهد به عدم اتلاف جسم بیمار» است؛ یعنی پزشک متعهد است بدون اذن بیمار زبانی به جسم او وارد نکند، که اگر زیان وارد شد، ضامن و مسئول است، اما با اذن بیمار چنین تعهدی به ترک اتلاف وجود ندارد. بر این اساس اگر با اذن بیمار به جسم او صدمه‌ای وارد کند، نقض تعهدی صورت نگرفته تا به تبع ضمان و مسئولیت برای او ایجاد گردد. بدین‌سان در «شرط سقوط تعهد»، اصل تعهد ساقط شده یا به سود مدیون تغییر می‌یابد، و بالتبع ضمانت اجرای نقض آن (مسئولیت) هم منتفی می‌گردد، اما در «شرط عدم مسئولیت» تعهد باقی است و مسئولیت ناشی از نقض آن، ساقط می‌شود. به عبارت دیگر در مورد بحث شرط سقوط حق به تعهد اولیه بیمه‌گر مربوط است و در نتیجه عدم انجام تعهدات قراردادی از جانب بیمه‌گذار، تعهد اولیه بیمه‌گر که پرداخت وجه باشد ایجاد نمی‌شود. بررسی تمایز ماهیت حقوقی «شرط سقوط تعهد» از «شرط عدم مسئولیت»، صرفاً نظری نیست، بلکه ثمره عملی نیز دارد. در نظام‌های حقوقی (مانند حقوق ایران و فرانسه) که مسئولیت، تنها ضمانت اجرای تعهد نیست و نفوذ و اجرای شرط عدم مسئولیت تابع محدودیت‌های ماهوی، همچون تقصیر عمدی و سنگین است، ثمره این تفکیک را می‌توان مشاهده کرد. برای مثال اگر لازم باشد کالای فاسدشدنی در سردخانه نگهداری شود و امین علیه مالک شرط کند که برای نگهداری از کالا تعهدی بیش از آنچه برای کالاهای معمولی لازم است به عهده نمی‌گیرد و در اثر عدم نگهداری کالا در سردخانه خسارتی به صاحب کالا (مودع) وارد آید، امین در هیچ حالی مسئولیت ندارد؛ زیرا او عهدشکنی نکرده است؛ جوهره مسئولیت «وجود» تعهدی است که «نقض» شده باشد، حال آنکه امین در این مورد تعهدی نداشته است (شرط کاهش تعهد). اما اگر او در عین حال که تعهد ویژه مراقبت از کالای فاسدشدنی را بر عهده می‌گیرد (به عبارت دیگر نبود چنین تعهدی را شرط نمی‌کند؛ زیرا بدون تصریح در قرارداد نیز به حکم عرف به این تعهد خاص ملتزم است) شرط عدم مسئولیت کند و در مرحله اجرای قرارداد به عمد از نگهداری کالا در سردخانه امتناع ورزد، علی‌رغم وجود شرط عدم مسئولیت باید تمام خسارت‌های وارد به مالک را جبران کند، به این دلیل که شرط عدم مسئولیت در صورت ارتکاب عمد نافذ نیست (Yates, 1982: 127). بدین‌سان محدودیت‌ها و استثنائات وارد بر شرط کاهش یا سقوط تعهد (بطلان شرط مخالف تعهد اساسی، نظم عمومی و قانون امری) تنها متوجه اعتبار شرط است. به عبارت دیگر شرط کاهش تعهد همان‌گونه که ذکر شد از حیث

اصولی معتبر و استثنای آن، عدم امکان شرط حذف تعهد اساسی ناشی از قرارداد یا تعهدات مربوط به نظم عمومی است. اما اگر شرط کاهش تعهد مخالف استثنائات پیش گفته نباشد، سبب سقوط یا کاهش تعهد می‌شود. بدین ترتیب فردی که تعهدی بر عهده نگرفته، نمی‌تواند مرتکب تقصیر شود تا شرط عدم تعهد را به جهت ارتکاب یک تقصیر عمدی یا سنگین باطل بدانیم، درحالی‌که شرط عدم مسئولیت هرچند در مرحله انعقاد، معتبر تلقی شود (خلاف نظم عمومی یا قانون امری نباشد) نفوذ آن در مرحله اجرا تابع محدودیت‌هایی همچون عدم ارتکاب تقصیر عمدی یا سنگین است (ایزائلو، ۱۳۹۳: ۴۰).

۲.۲.۳. تحلیل ماهیت شرط سقوط حق به‌عنوان شرط سقوط تعهد و بر مبنای یکی از اسباب سقوط تعهد

الف) شرط سقوط حق، شرط سقوط تعهد است

با توجه به آنچه گفته شد اگر اثر «شرط سقوط حق» از بین رفتن حق مطالبه جبران خسارت از طرف بیمه‌گذار و سقوط تعهد بیمه‌گر در فرض وقوع حادثه موضوع قرارداد بیمه باشد، به نظر می‌رسد که «شرط سقوط حق» در قراردادهای بیمه از نوع شرط «سقوط تعهد» است، زیرا ماهیت این تعهد بیمه‌گر از نوع تعهد اولیه است، نه ثانویه که عنوان «مسئولیت» داشته باشد. قرارداد بیمه یک قرارداد معوض و دارای دو عوض است؛ از یک سو تعهد بیمه‌گذار است که موضوع آن پرداخت حق بیمه مقرر است؛ در سوی دیگر، تعهد بیمه‌گر قرار دارد که در برابر بیمه‌گذار بر عهده می‌گیرد و برحسب نوع بیمه و مطابق با شروط قراردادی باید آن را اجرا کند. بر این اساس روشن است که آنچه به موجب قرارداد بیمه بر عهده بیمه‌گر قرار گرفته «تعهد» است؛ تعهد اولیه‌ای که سبب آن اراده طرفین قرارداد است.^۱ حال اگر در ضمن قرارداد بیمه یا به حکم قانون شرطی گنجانده شود که در فرض تحقق امری یا عدم تحقق آن، بیمه‌گر از اجرای این تعهد قراردادی معاف گردد، با این شرط، تعهد قراردادی بیمه‌گر ساقط شده و همانند یک شرط فاسخ است؛ با این تفاوت که در شرط فاسخ با تحقق شرط، قرارداد منفسخ شده و به تبع آن تعهدات ناشی از آن از بین می‌رود، اما در مورد «شرط سقوط حق» تنها «تعهد» ساقط می‌گردد و اصل قرارداد به حیات خود ادامه می‌دهد. (de L'Isle, 1921: 191). حتی در مورد بیمه‌ی مسئولیت نیز اگرچه موضوع تعهد بیمه‌گر به‌نوعی «مسئولیت» بیمه‌گذار است که در اثر یکی از اسباب ضمان قهری ایجاد شده است، اما نسبت به بیمه‌گر نوعی «تعهد قراردادی» است که سبب آن قرارداد بیمه است. به همین ترتیب در مورد بیمه خسارت نیز

۱. قانونگذار این تعهد را در ماده ۱۹ قانون بیمه ۱۳۱۶ آورده است، اما عنوان «مسئولیت» به آن داده است که به نظر می‌رسد صحیح نباشد؛ زیرا چنانکه گفته شد، تعهد مستقیم ناشی از عقد را اصطلاحاً «مسئولیت» نمی‌گویند (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸، ج ۱: ۵۳۲).

وضعیت به این گونه است. بر این اساس روشن است که در قرارداد بیمه، همان گونه که ذکر شد اگر بیمه‌گر وجهی به بیمه‌گذار یا شخص ثالث می‌پردازد، در راستای اجرای تعهد مستقیم قراردادی خود است، نه خسارت ناشی از عدم انجام تعهد یا نقض آن، که در اصطلاح، «مسئولیت» نامیده می‌شود (ایزنلو، ۱۳۹۳: ۵۷).

ب) تحلیل شرط سقوط حق در قالب اسباب سقوط تعهد

اگر شرط سقوط حق به عنوان شرط سقوط تعهد در نظر گرفته شود، با این سؤال مواجهیم که آیا شرط سقوط حق را باید یک عنوان مستقل از اسباب سقوط تعهدات مندرج در قانون مدنی دانست؟ یا تقسیم اسباب بوده و خود در عداد اسباب سقوط تعهد شمرده می‌شود؟ به نظر می‌رسد شرط سقوط حق را نمی‌توان سبب مستقلی از اسباب سقوط تعهدات دانست. بلکه این شرط در قالب یکی از اسباب سقوط تعهد در قانون مدنی قابل تحلیل است. به اجمال می‌توان گفت شرط سقوط حق با دو سبب از اسباب سقوط تعهدات مندرج در ماده ۲۶۴ قانون مدنی مشابهت دارد که در اینجا به مقایسه آنها می‌پردازیم.

یکم- تهاتر

آیا می‌توان شرط سقوط حق را تهاتر دانست؟ مطابق بند ۵ ماده ۲۶۴ قانون مدنی تهاتر یکی از اسباب سقوط تعهد است و در مواد ۲۹۴-۲۹۹ قانون مدنی احکام آن بیان شده است. مطابق ماده ۲۹۴، «زمانی که دو نفر مقابل یکدیگر مدیون باشند بین دیون آنها به یکدیگر به طریقی که در مواد ذیل مقرر است تهاتر حاصل می‌شود». دکترین حقوقی تهاتر را چنین تعریف کرده‌اند: «تساقط دو دین یا مجموع دیونی که دو شخص در برابر یکدیگر دارند، تا میزان کمترین آن دو» (شهیدی، ۱۳۹۲، ج ۵: ۱۷۱) و از حیث ماهیت آن را در زمره وقایع حقوقی می‌دانند (کاتوزیان، ۱۳۹۱: ۲۸۲). شباهت شرط سقوط حق و تهاتر را می‌توان این چنین تحلیل کرد: در قرارداد بیمه، بیمه‌گذار متعهد به ایفای تعهد قراردادی از جمله اطلاع‌رسانی وقوع حادثه، به حداقل رساندن خسارت یا ارزیابی واقعی خسارت بوده و سقوط حق نتیجه نقض تعهد او تعیین شده است. شرایط عمومی تحقق مسئولیت قراردادی، نقض تعهد، لزوم ورود ضرر و اثبات آن است. بدین ترتیب بیمه‌گر باید نقض تعهد بیمه‌گذار و ورود زیان به خود و رابطه علیت میان آنها را با توجه به هدف مسئولیت قراردادی (جبران ضرر طلبکار) ثابت کند. این به آن علت است که صرف نقض تعهد را نمی‌توان به منزله ایجاد مسئولیت دانست، بلکه تنها مقتضی آن فراهم می‌شود. بر این اساس اگر زیانی به طلبکار نرسیده باشد، خسارتی از بدهکار اخذ نمی‌گردد (کاتوزیان، ۱۳۹۲، ج ۴: ۲۰۱). بدین ترتیب اگر بیمه‌گر نقض تعهد بیمه‌گذار و رابطه علیت میان نقض تعهد وی و وقوع حادثه موضوع قرارداد بیمه را ثابت کند، در واقع ورود خسارت به خود در

نتیجه نقض تعهد بیمه‌گذار و رابطه علیت میان آنها و به عبارت دیگر ارکان مسئولیت قراردادی را اثبات کرده است. بر این اساس اگر با دعوی بیمه‌گذار در خصوص جبران خسارت وارده مواجه گردد می‌تواند به تهاوتر دین خود از بابت جبران خسارت و دین بیمه‌گذار بابت خسارت وارده استناد کند.

اما دیدگاه با دو اشکال مواجه است: اولاً، سقوط حق در فرضی است که نقض تعهد بیمه‌گذار سبب واقعی ورود خسارت گردد، در غیر این صورت نمی‌توان آن را تهاوتر دانست، چون این امکان وجود دارد که در نتیجه نقض تعهد بیمه‌گذار زبانی به بیمه‌گر وارد نشود؛ ثانیاً، تهاوتر زمانی واقع می‌شود که دو دین در مقابل یکدیگر قرار گیرند. دین بیمه‌گر نسبت به بیمه‌گذار با وقوع حادثه و ایفای تعهدات قراردادی توسط بیمه‌گذار محقق می‌شود و نمی‌توان به مجرد وقوع حادثه موضوع قرارداد بیمه قائل به ایجاد تعهد شد. توضیح آنکه علت تامه، مرکب است از سبب (مقتضی)، شرط و عدم مانع که اینها باید جمع شود تا علت تامه ایجاد گردد (میرزای قمی، ۱۴۱۳ق، ج ۳: ۲۰۸). در قرارداد بیمه، مقتضی، قرارداد بیمه است، اما بیمه‌گر شرطی قرار داده و اگر آن شرط نباشد قرارداد مؤثر نیست. برای مثال در قرارداد بیمه شرط اطلاع‌رسانی ظرف مهلت معین، شده است. اگر این تعهد از سوی بیمه‌گذار اتفاق نیفتد، بیمه‌گر متعهد به جبران خسارت نیست. قرارداد سبب است و شرط تأثیر آن ایفای تعهد قراردادی از جانب بیمه‌گذار است. وقتی شرط مفقود است، مقتضی اثر خود را نخواهد گذاشت.

دوم- ابراء معلق

مطابق ماده ۲۸۹ قانون مدنی: «ابراء عبارت از این است که دائن از حق خود به اختیار صرف‌نظر کند». برخی حقوقدانان عبارات این ماده را جهت شناساندن حقیقت ابراء، دقیق ندانسته و اظهار کرده‌اند حق این بود که ابراء چنین تعریف می‌شود: «ابراء عبارت است از اسقاط دین به وسیله دائن». بنابراین ابراء چیزی جز اسقاط حق نیست. اسقاط حق عملی است که منحصرأ در اختیار صاحب حق است (شهیدی، ۱۳۹۲، ج ۵: ۱۳۳). ماهیت ابراء را از نظر فقهی^۱ ایقاع و قانون مدنی ایران از نظر مشهور فقهی پیروی کرده است (امامی، ۱۳۹۱، ج ۱: ۳۹۲). با این حال برخی فقها همچون ابن ادریس حلی برخلاف نظر مشهور ابراء را عقد و قبول بدهکار را شرط وقوع آن می‌داند (حلی، ۱۴۱۰ق، ج ۳: ۱۷۶). از نظر مفهومی طبق یک دیدگاه ابراء، به معنی زدودن موضوع و حق مطالبه از ذمه ابراکنده است (نائینی، ۱۳۷۳ق، ج ۱: ۳۰۵). به عبارت دیگر ابراء، سقوط حق

۱. غالب فقهای امامیه بر این عقیده‌اند (شهید ثانی، ۱۴۱۰ق، ج ۳: ۱۹۳). لا یشرط فی البراء القبول - فاضل هندی، کشف اللثام، ۱۴۱۶ق، ج ۷: ۴۷۱. یحتمل فی الإبراء عدم رجوعه علیها بشیء کما یظهر من المبسوط و الجواهر الفقه و إن قوی الشیخ الأول لأنه إسقاط حق المطالبة بما فی الذمه لا تملیک.

طلبکار است. در حقوق فرانسه و انگلیس ابراء در زمره قراردادهای منوط و مشروط به توافق است (کاتوزیان، ۱۳۷۰: ۳۶۷). سؤال آن است که آیا می‌توان شرط سقوط حق را از حیث ماهیت، ابراء ذمه بیمه‌گر توسط بیمه‌گذار دانست؟ به نظر می‌رسد اگر شرط سقوط حق ماهیت تنبیهی داشته باشد، طرفین قرارداد می‌توانند توافق کنند در فرض نقض تعهد از جانب بیمه‌گذار، «حق» وی بر مطالبه جبران خسارت که بر ذمه بیمه‌گر مستقر می‌گردد، ساقط شود. در این صورت ابراء، معلق به نقض تعهد بیمه‌گذار خواهد بود و اشکالی بر معلق بودن ابراء وارد نیست، زیرا تعلیق در ابراء چه ماهیت آن عقد باشد یا ایقاع شناخته شود، در صورتی که مربوط به منشأ باشد، خدشه‌ای بر اعتبار آن وارد نمی‌سازد و ابراء معلق جز در مواردی که قانون آن را باطل اعلام کرده باشد، صحیح است (شهیدی، ۱۳۹۲، ج ۵: ۱۴۱). در این فرض، انشاء ابراء منجز و اثر آن (سقوط طلب) معلق به تحقق شرط است (کاتوزیان، ۱۳۷۰: ۳۷۶). در نتیجه بری‌الذمه شدن بیمه‌گر، مشروط به نقض تعهد بیمه‌گذار است که چنانچه واقع شود، سبب سقوط حق مطالبه می‌شود و این موضوع با مفهوم ابراء مبنی بر سقوط حق طلبکار موافق است.

۳. اعتبار و نفوذ شرط سقوط حق

ضمانت اجرای سقوط حق گاهی از ناحیه قانون و گاه به موجب قرارداد مقرر می‌شود. ماده ۱۵ قانون بیمه ایران مصوب ۷ اردیبهشت‌ماه ۱۳۱۶ و ماده ۴-۱۱۲ L قانون بیمه فرانسه و رأی شعبه اول مدنی دیوان عالی فرانسه، ۲ ژوئیه ۱۹۹۶، n ۱۵.۲۹۴-۹۴ در این زمینه قابل ذکر است. اراده طرفین به‌عنوان منبع دیگر سقوط حق محسوب می‌گردد، به‌گونه‌ای که طرفین می‌توانند ضمن قرارداد شرط کنند در صورت تخلف بیمه‌گذار از انجام تعهدات مندرج در قرارداد حق او بر جبران خسارت و تکلیف بیمه‌گر در این زمینه ساقط شود. در فرضی که ضمانت اجرای سقوط حق در قانون مقرر شده در صحت و اعتبار آن، نمی‌توان تردید کرد. اما در خارج از موارد مصرح قانونی در خصوص صحت شرط سقوط حق در ضمن قرارداد تردید وجود دارد.

۳.۱. مبنای تردید در صحت و اعتبار شرط سقوط حق در قرارداد بیمه

تردید در صحت و اعتبار شرط سقوط حق از دو جنبه است؛ یکی از جنبه منطقی و قواعد حقوقی و دیگر از حیث مصلحتی.

۳.۱.۱. تردید از حیث منطق حقوق

در قرارداد چون موضوع تعهد بیمه‌گر حسب مورد جبران خسارت بیمه‌گذار (در بیمه خسارت) یا شخص ثالث (در بیمه مسئولیت) و یا پرداخت مبلغی به بیمه‌گذار در سایر بیمه‌هاست،

1. Les parties peuvent librement stipuler, dans un contrat d'assurance, les clauses de déchéance qui ne sont pas interdites par la loi.

تردید در صحت و اعتبار شرط سقوط حق از آن حیث است که تعهد بیمه‌گر یکی از عوضین اصلی قرارداد بیمه است و این سؤال مطرح است که در عقد معوض آیا طرفین می‌توانند شرط کنند که در فرض نقض تعهدی فرعی (شرط ضمن عقد) از سوی طرف مقابل مشروطه از اجرای تعهد اصلی قراردادی خود معاف گردد، بدون اینکه قرارداد منفسخ گردد؟ آیا چنین شرطی خلاف مقتضای ذات عقد معوض نیست؟ آیا می‌توان عقد معوض را باقی دانسته و یکی از طرفین (بیمه‌گذار) را ملتزم به اجرای تعهد خود دانست، درحالی‌که طرف مقابل (بیمه‌گر) متعهد به اجرای تعهد خود نیست؟ در پاسخ باید گفت شرط سقوط حق مخالف تعهد بیمه‌گر در قبال بیمه‌گذار مبنی بر جبران خسارت احتمالی نیست. چون قصد طرفین قرارداد بیمه، انعقاد قرارداد به‌نحوی که بیمه‌گر در قبال بیمه‌گذار تعهدی به جبران خسارت نداشته باشد، نیست. بلکه مقصود از درج شرط سقوط حق، به‌نوعی تضمین ایفای تعهدات قراردادی از طرف بیمه‌گذار و کارکرد آن را می‌توان نوعی «مجازات خصوصی» دانست^۱ (Besson, ۱۹۳۶: ۲۲۵; ۲۰۱۸: ۴۲۵, n.eraudau, guillot). در یک مثال غیر بیمه‌ای در نظام حقوقی فرانسه، وارثی که در جریان تقسیم ماترک وارث بودن خود را اعلام نمی‌کند، نمی‌تواند متعاقباً خودش را در زمره وارثان بیاورد و حق‌الارث مطالبه کند. اگر وارث وضعیت حقوقی خود را بعداً اعلام کند، با سقوط حق تنبیه می‌شود (Carval, 1995: 166). بر این اساس اثر شرط سقوط حق در قرارداد بیمه نسبت به تمامی تعهدات بیمه‌گر در جبران خسارت نیست، بلکه ضمانت اجرای عدم ایفای تعهد بیمه‌گذار نسبت به وقوع یک حادثه خاص است. به همین سبب بیمه‌گر در حوادث دیگری که تحت پوشش بیمه قرار دارد، همچنان مکلف به جبران خسارت است. بنابراین سقوط حق در قرارداد بیمه تمام حقوق بیمه‌گذار را از بین نمی‌برد بلکه تنها نسبت به تعهدی مشخص و مصرح در قرارداد اعمال می‌شود. از این رو سقوط حق ضرورتاً و به‌صورت متناسب با نقض تعهد محقق می‌گردد.^۲ از این رو تأخیر در اطلاع‌رسانی حادثه می‌تواند به سقوط تمام یا بخشی از حق جبران خسارت و متناسب با نقضی که واقع شده، منتهی شود (Sautel, 1999: 489). بنابراین نمی‌توان شرط سقوط حق را خلاف مقتضای ذات قرارداد بیمه و باطل و مبطل قرارداد دانست.

۳.۱.۲. تردید از حیث رعایت مصلحت

صرف‌نظر از ایرادی که به لحاظ منطقی بر شرط سقوط حق وارد است، به لحاظ مصلحتی نیز این تردید وجود دارد که آیا تجویز شرط سقوط حق موجب تحمیل شروط ناعادلانه از سوی بیمه‌گرها به بیمه‌گذاران نمی‌شود؟ در قراردادهای بیمه به‌طور معمول یکی از طرفین (بیمه‌گر)

1. Celui qui est déchu est « puni », la déchéance serait une véritable peine privée.

2. La déchéance ne vient priver ni en de à ni au-delà de ce que la cause demande.

از قدرت اقتصادی یا فنی برتری برخوردار است، و او می‌تواند شروط گزافی همانند شرط سقوط حق را به طرف دیگر قرارداد (بیمه‌گذار) تحمیل کند و او نیز از سر اضطرار چنین شرطی را می‌پذیرد. آیا تجویز چنین شرطی موجب تحمیل اراده طرف قوی برطرف ضعیف نمی‌گردد؟ در لایحه‌ای که هیأت وزیران در تاریخ ۸۴/۰۴/۲۷ بنا به پیشنهاد وزارت امور اقتصادی و دارایی (شماره ۳۰۲۵۵/۲۵۱۲۵) حاوی ۱۰۹ ماده به‌عنوان جایگزین قانون بیمه فعلی تقدیم مجلس شورای اسلامی کرده است، در ماده ۱۰ آن تصریح شده که بیمه‌گر نمی‌تواند بیمه‌گذار را به دلیل تخلف از قوانین و مقررات و یا تأخیر در اعلام خسارت به مقامات ذی‌ربط و یا تأخیر در تهیه اسناد و مدارک، از دریافت خسارت محروم کند، مگر آنکه قوانین و مقررات موردنظر یا شروط مربوط به تأخیر، به‌صراحت در بیمه‌نامه مشخص شده باشد. در ماده ۱۱ لایحه مزبور نیز مقرر شده «بیمه‌گر در صورتی می‌تواند به تأخیرهای مقرر در این قانون علیه بیمه‌گذار استناد کند که ثابت کند تأخیر موجب زیان وی شده است» (امینی، ۱۳۸۴: ۲۶۰). به‌نظر می‌رسد در نظر گرفتن شرط اثبات خسارت در نتیجه تأخیر در ایفای تعهد و ضرورت صراحت قواعد مربوط به محرومیت از جبران خسارت برای رعایت مصلحت بوده که حمایت از بیمه‌گذار اقتضای آن را دارد. اما لایحه مذکور به‌رغم گذشت زمان زیاد هنوز به تصویب نرسیده و حتی از دستور کار مجلس نیز خارج شده است. حسب دیدگاه دیگر در این خصوص امکان ابطال شرط سقوط حق با استفاده از خیار غبن و تعدیل قرارداد از طریق حذف آن است؛ به این معنا که چون مبنای خیار غبن لاضرر است علم بیمه‌گذار به وجود شرط سقوط حق نیز مانع اعمال آن نیست؛ زیرا بیمه یک قرارداد الحاقی است و بیمه‌گذار در شرایط اضطرار قرارداد را پذیرفته است و علم و آگاهی او را نمی‌توان دلیل اقدام او به ضرر خود تلقی کرد (ابزائلو، ۱۳۹۳: ۱۵۶). اما در نقد آن باید گفت مطابق قواعد حقوق قراردادها شرط از عقد تبعیت می‌کند و استقلال شرط از عقد آنچنان نیست که غبن نسبت به شرط اعمال گردد. از سوی دیگر در اینکه مبنای خیار غبن لاضرر باشد، ایراداتی وجود دارد؛ از جمله آنکه لاضرر حکم ضرری را نفی می‌کند و نمی‌تواند اثبات حکم (خیار) کند. به‌علاوه اگر در معامله غبنی به علت ضرر، مغبون خیار دارد، هر جا ضرر باشد خیار نیز وجود دارد و اگر ضرر نباشد، خیار منتفی است؛ درحالی‌که اگر غابن مابه‌التفاوت ثمن را به مشتری بپردازد، علیرغم انتفای ضرر همچنان خیار ثابت است. به این دلیل نمی‌توان مبنای خیار غبن را لاضرر دانست (اسماعیلی، ۱۳۹۶: ۳۸). این ملاحظات سبب شده در حقوق فرانسه اعتبار شرط سقوط حق را مقید به شروط شکلی و ماهوی کنند تا علی‌رغم آزادی طرفین در انعقاد قرارداد، بیمه‌گر امکان استفاده بدون قید و شرط از این شرط را نداشته باشد. در این نظام حقوقی شرط سقوط حق از نظر شکلی باید مقید باشد، به این معنا که لازم است بیمه‌گذار مطلع باشد ضمانت اجرای عدم انجام کدام

تعهد او سقوط حق است؛ یعنی باید به صورت دقیق تعیین شود و قابلیت تعیین آن به صورت کلی کافی نیست. شرط مبهم به سود بیمه‌گذار تفسیر می‌شود، زیرا بیمه‌گر تنظیم‌کننده قرارداد است. در حقیقت تأمین حقوق بیمه‌گذار اقتضا می‌کند شروط روشن و خالی از هرگونه تفسیر انشاء شود. علاوه بر این، شرط نباید به صورت ریز نوشت نگارش شود. در واقع انشای شروط به صورت ریزنوشت می‌تواند اماره‌ای بر سوء نیت تلقی شده و آثار قرارداد را با چالش روبه‌رو سازد. همچنین لازم است شرط سقوط حق به صورت واضح و درشت درج گردد. این شرط باید در قرارداد به صورت آشکار از طریق برجسته بودن، داشتن رنگ متفاوت و یا قرار گرفتن در باکس قابل تشخیص باشد. این ویژگی‌ها باید برای سقوط حق به عنوان شرط قراردادی و نیز تعهدی که عدم ایفاء آن سبب سقوط حق است وجود داشته باشد (Noguero, 2018: 1845). شرط سقوط حق باید در خود قرارداد بیمه قید شود و رویه قضایی شرط سقوط حقی را که در خارج قرارداد، داخل آیین‌نامه داخلی یا اساسنامه شرکت بیمه مصوب شده باشد (بدون آنکه به صورت مقتضی به اطلاع بیمه‌گذار برسد) باطل اعلام کرده است (Lambert-Faivre, 2017: 43). از لحاظ ماهوی مطابق قانون ۳۱ دسامبر ۱۹۸۹ و وفق ماده ۲-۱۱۳ قانون بیمه شرط سقوط حق تنها وقتی مؤثر است که بیمه‌گر ورود زیان به خود در نتیجه عدم انجام تعهد بیمه‌گذار را به اثبات رساند. مطابق ماده اخیرالذکر: «هرگاه سقوط حق از طریق یک بند قراردادی پیش‌بینی شود، برای مثال به دلیل اعلام با تأخیر وقوع حادثه موضوع قرارداد و یا مواردی که منجر به تشدید خطر می‌گردد، بیمه‌گر تنها در صورتی می‌تواند به سقوط حق استناد کند که اثبات کند تأخیر در ارسال اظهارنامه موجب خسارت به وی شده است». در همین زمینه و به دلیل غیرقابل پذیرش بودن معافیت بیمه‌گر از تعهد جبران خسارت به محض نقض تعهد از طرف بیمه‌گذار و حتی زمانی که نقض تعهد بی‌ارتباط با خسارت وارده باشد، قانون بیمه ۲۰۱۵ انگلستان اصلاحات مهمی در ضمانت اجرای نقض وارانتهی در قراردادهای بیمه انجام داده است. ابتدا در بند ۱ و ۲ ماده ۱۰ عواقب نقض وارانتهی را اصلاح کرد؛ به این کیفیت که نقض وارانتهی سبب معافیت بیمه‌گر از تعهد جبران خسارت نمی‌گردد، بلکه با نقض وارانتهی تعهد بیمه‌گر به حالت تعلیق در خواهد آمد و چنانچه بیمه‌گذار نقض را جبران کند، بیمه‌گر متعهد به جبران خسارت خواهد بود.^۱ برای مثال، اگر وارانتهی قرارداد بیمه در خصوص مالی باشد که بیمه‌گذار متعهد به نصب آژیر سرقت تا تاریخ ۱ آوریل شود و تا تاریخ مذکور نصب اتفاق نیفتد، نقض وارانتهی اتفاق افتاده، اما چنانچه پس از آن تاریخ برای مثال ۱۵ آوریل نصب آژیر انجام گیرد، تعهد

1. Any rule of law that breach of a warranty (express or implied) in a contract of insurance results in the discharge of the insurer's liability under the contract is abolished.

-An insurer has no liability under a contract of insurance in respect of any loss occurring, or attributable to something happening, after a warranty (express or implied) in the contract has been breached but before the breach has been remedied.

بیمه‌گر بر جبران خسارت باقی می‌ماند و بدین ترتیب تعهد بیمه‌گر از تاریخ ۱ تا ۱۵ آوریل معلق خواهد بود.^۱ در بند ۱ ماده ۱۱ قانون بیمه تمرکز بر شروط کاهش ریسک است. هدف این شروط، کاهش ریسک در خصوص نوع، زمان و مکان خاص مربوط به ضرر است. از جمله موارد مطرح در این ماده می‌توان به عدم امکان استناد بیمه‌گر به سقوط تعهد جبران خسارت بر مبنای نقض وارانته بی‌ارتباط با خسارت وارده به بیمه‌گذار در قالب شرط کاهش ریسک اشاره کرد که حاکم بر تمامی شروط بیمه‌نامه‌ها از جمله وارانته است. نتیجه تغییرات در این قسمت از قانون آن است که بیمه‌گر نمی‌تواند با استفاده از نقض وارانته حتی بدون ارتباط با خسارت وارده از جبران خسارت امتناع ورزد. به همین سبب بیمه‌گذار با اثبات اینکه نقض صورت‌پذیرفته ارتباطی با خسارت وارده ندارد، از پوشش بیمه برخوردار خواهد بود (بند ۳ ماده ۱۱ قانون بیمه ۲۰۱۵). برای مثال اگر مال بیمه‌شده در نتیجه سیل آسیب ببیند، بیمه‌گر نمی‌تواند به نقض وارانته نصب آب‌پاش جهت عدم جبران خسارت استناد کند. به سادگی به این علت که آسیب در نتیجه سیل واقع شده و تعهد نصب آب‌پاش به آتش‌سوزی مرتبط است (The Law Commission and The Scottish Law Commission, 2014: 153).

۴. نتیجه

ضمانت اجرای سقوط حق دفاعی است که به بیمه‌گر اجازه می‌دهد، با وجود تحقق خطر موضوع قرارداد بیمه به علت عدم انجام تعهد بیمه‌گذار از انجام تعهد خود امتناع کند. این نهاد از سایر مفاهیم مشابه از جمله تعلیق تضمین، فسخ، انفساخ و شرط استثنا متمایز است. این نهاد از حیث ماهیت حقوقی با مجازات مدنی قرابت دارد، اما در زمره شروط سقوط تعهد محسوب می‌شود و با یکی از اسباب سقوط تعهد (ابراء معلق) همخوانی دارد و مطابق مواد ۱۰ و ۲۳۰ قانون مدنی و ماده ۳۵ قانون بیمه در سایه اصل آزادی قراردادی در رابطه بیمه‌گر و بیمه‌گذار معتبر است. قانون و اراده طرفین را می‌توان از جمله مهم‌ترین منابع آن دانست. مع الوصف اعتبار شرط سقوط حق از دو نظر مورد تردید است؛ اول از نظر منطبق حقوقی به این نحو که این شرط می‌تواند خلاف اثر اصلی و مقتضی ذات قرارداد بیمه تحلیل شود. تردید دیگر تجویز این شرط از لحاظ مصلحتی است. هرچند بیمه‌گذار مختار در انعقاد قرارداد بوده و نمی‌توان اضطراب را عیب اراده به نحوی که سبب عدم نفوذ قرارداد شود دانست، اما امکان کنترل قضایی و قانونی شرط سقوط حق وجود دارد. در این زمینه اگر سقوط حق به صورت شرط در ضمن عقد باشد، حقوق فرانسه شرایط شکلی و ماهوی در اعتبار آن تعیین کرده تا آنجا که عدم رعایت شرایط مذکور سبب بی‌اعتباری شرط و حذف آن از قرارداد می‌گردد. در

1. <http://www.clydco.com,Insurance Act 2015>: Shaking up a century of insurance law

حقوق انگلستان با توجه سنگین بودن ضمانت اجرای نقض وراثتی در قانون ۱۹۰۶ در قانون بیمه ۲۰۱۵ اصلاحات اساسی انجام گرفته و در مواد ۱۰ و ۱۱ قانون بیمه مقرر کرده است نقض وراثتی سبب معافیت بیمه‌گر از تعهد جبران خسارت نمی‌گردد، بلکه با نقض وراثتی تعهد بیمه‌گر به حالت تعلیق در خواهد آمد. افزون‌بر این بیمه‌گر نمی‌تواند با استفاده از نقض وراثتی حتی بدون ارتباط با خسارت وارده از جبران خسارت امتناع ورزد. در قانون بیمه ایران دست‌کم در یک مورد که از قضا مهم‌ترین موارد است، قانونگذار چنین ضمانت اجرایی را مقرر نموده است. اما وضعیت این ضمانت اجرا اگر به صورت شرط قراردادی باشد معین نیست و علیرغم تلاش برای رفع ابهام از طریق قانونگذاری، تاکنون تغییرات قانونی ایجاد نشده است و اشاره به واضح نگاشته شدن شرایط و قابل درک بودن آن در موادی از آیین‌نامه شورای عالی بیمه، بدون تعیین نتیجه تخلف به نظر کافی نیست. با توجه به مفاد ماده ۱۳۰۱ قانون مدنی امضای ذیل قرارداد به مفهوم پذیرش تمام مفاد آن محسوب می‌شود. امکان استفاده از خیار غبن و تعدیل قرارداد از طریق حذف شرط نیز ممکن نیست، زیرا شرط از عقد تبعیت می‌کند و استقلال شرط از عقد آن‌چنان نیست که بتوان قواعد غبن را نسبت به شرط اعمال کرد. ضمن آنکه مبنای خیار غبن لاضرر نیست تا امکان حذف شرط از قرارداد بر مبنای این قاعده توجیه شود. بر این اساس راهکار حذف چنین شرطی از قرارداد در حقوق بیمه ایران نیازمند طراحی جدید است. به همین سبب و با توجه به تأثیر شگرف چنین شروطی در قراردادهای بیمه اقدام عاجل نسبت به وضع قانون جهت تعیین دقیق ماهیت شرط و تعیین ضمانت اجرای معین و تعیین احکام آن راهگشا خواهد بود.

بیانیه نبود تعارض منافع

نویسندگان اعلام می‌کنند که تعارض منافع وجود ندارد و تمام مسائل اخلاق در پژوهش را شامل پرهیز از دزدی ادبی، انتشار و یا ارسال بیش از یک بار مقاله، تکرار پژوهش دیگران، داده‌سازی یا جعل داده‌ها، منبع‌سازی و جعل منابع، رضایت ناآگاهانه سوژه یا پژوهش‌شونده، سوءرفتار و غیره، به‌طور کامل رعایت کرده‌اند.

منابع

الف) فارسی و عربی

۱. ایزانلو، محسن (۱۳۹۷). *الزام‌های خارج از قرارداد، مسئولیت مدنی*، ج ۳، بیمه مسئولیت، تهران: گنج دانش.
۲. ----- (۱۳۹۳). *شروط محدودکننده و ساقط‌کننده مسئولیت در قراردادها*، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۳. امامی، سید حسن (۱۳۹۱). *دوره حقوق مدنی*، تهران: انتشارات اسلامی.

۴. امینی، منصور (۱۳۸۴). «لایحه بیمه تجاری (۸۴/۴/۲۷)». تلاش برای رفع ابهامات موجود در قانون بیمه، مجله پژوهش‌های حقوقی، ش ۸، ص ۲۶۴-۲۵۷ در: https://jlr.sdil.ac.ir/article_44530.html (۱۰ بهمن ۱۴۰۰)
۵. اسماعیلی، محسن؛ مولوی، سمیه (۱۳۹۶). «بررسی خیار غبن و رابطه آن با قاعده لاضرر با رویکردی بر اندیشه امام خمینی»، مجله علمی پژوهشی پژوهشنامه متین، سال نوزدهم، ش ۷۵، ص ۲۲-۲۳ در: [http://matin.ri-khomeini.ac.ir/&url=http://matin.ri-khomeini.ac.ir/article_51223.html](http://matin.ri.khomeini.ac.ir/&url=http://matin.ri-khomeini.ac.ir/article_51223.html) (۱۰ بهمن ۱۴۰۰)
۶. بابایی، ایرج (۱۳۹۸). حقوق بیمه، تهران: سمت.
۷. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۸). *دائرةالمعارف حقوق مدنی و تجارت*، تهران: کتابخانه گنج دانش.
۸. شهیدی، مهدی (۱۳۹۲). *سقوط تعهدات*، تهران: مجد.
۹. صادقی مقدم، محمدحسن؛ شکوهی زاده، رضا (۱۳۹۲). حقوق بیمه، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۰. کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۲). *قواعد عمومی قراردادها*، تهران: سهامی انتشار.
۱۱. ----- (۱۳۹۱). *نظریه عمومی تعهدات*، تهران: میزان.
۱۲. ----- (۱۳۷۷). *ایقاع*، تهران: میزان.
۱۳. کریمی، آیت (۱۳۹۹). *کلیات بیمه*، تهران: میزان.
۱۴. نکویی، محمد (۱۳۹۰). *شرط عدم مسئولیت*، تهران: میزان.
۱۵. اصفهانی، فاضل هندی (۱۴۱۶ق). *کشف اللثام و الابهام عن قواعد الاحکام*، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمی قم.
۱۶. عاملی، زین‌الدین بن علی (شهید ثانی)، (۱۴۱۰ق). *روضه البیبه فی شرح اللمعه الدمشقیه*، قم: داورى.
۱۷. نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴ق). *جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۸. میرزای قمی، ابوالقاسم بن محمدحسن (۱۴۱۳ق). *جامع الشتات فی اجوبه السؤالات*، تهران: کیهان.
۱۹. نائینی، میرزا محمدحسین غروی (۱۳۷۳ق). *منیه الطالب فی حاشیه المکاسب*، تهران: مکتبه المحمديه.

ب) خارجی

20. Besson, Andre (1936). *La Notion de déchéance en matière d'assurance*, paris, L. G.D.J
21. Beale, Hugh, "Les clause limitatives ou exoneroitres de responsabilite en droit anglais", acte du colloque , 13 et 14decembre 1990, paris, L.G.D.J. pp. 155-178. Accessed:https://dial.uclouvain.be/memoire/ucl/fr/object/thesis:3498/datastream/PDF_01/view (Accessed 15 2022)
22. Barker, David & Padfield, Colin (2002). *Law Made Simple*, Made Simple BOOKS, An imprint of Elsevier www.madesimple.co.uk
23. Beatson, jack, Andrew Burrows and John Cartwright (2010). *Anson's law of contract*, 29th Edition, Oxford University Press
24. Beale, Hugh (2017). *Chitty on contract*, 32nd Edition, Sweet & Maxwell u.k
25. Carval, suzanne, (1995). *La responsabilite civile dans sa unction de peine privée*, préf. Viney G, LGDJ, Bibl. Dr. Privé, t. 250.
26. Compel black, Henry (1991). *Dictionary of law*, the lawbook exchange, LTD
27. Guillot, Pierre & Bertrand, Neraudau (2019). "Validite d'une clause d'exclusion en assurance de responsabilite civile professionnelle", *Aj contrat, Dalloz- revues* 11/2019, numero 11, pp.487- 488 Accessed- https://www.dalloz-revues.fr/revues/AJ_Contrat-574.htm (Accessed 1march 2022)
28. Georges Brière de L'Isle, *Droit des assurances* (1973). *universitaires de france*
29. Lambert-Faivre (Yvonne), (2017). *Droit des assurances, 14 edition*, Dalloz
30. Mayaux, Luc (2007). *Assurances Terrestres (2o le contrat d'assurance)*, Rép. Civ. Dalloz
31. Noguéro, David (2018). "Jeu de la déchéance de garantie: revue de la mauvaisefoi de l'assuré à la charge de l'assureur" *Recueil Dalloz*, ISSN 0034-1835, N°. 33, 2018, págs. 1845-1850, Accessed: https://www.dalloz-revues.fr/Recueil_Dalloz-cover-72432.htm (Accessed 8march2022)
32. Romanova, Evgenievna Daria (2015). *Marine Insurance Warranties. Development in England, in comparison with other countries*, Faculty of law university of oslo

33. Sautel, Olivier (1999). “Sur la déchéance en droit privé»(contribution à la théorie de la permanence de la cause)”, *Recueil Dalloz*, pp.487-498 Accessed: <https://halshs.archives-ouvertes.fr/halshs-02205501> (Accessed 1march 2022)
34. Soyer, Baris (2001). *Warranties In Marine Insurance*, London • Sydney ,Cavendish Publishing Limited
35. The Law Commission and the Scottish Law Commission (2014). *Insurance Contract Law: Business Disclosure; Warranties; Insurers’ Remedies for Fraudulent Claims; and Later Pyment*.
36. Yates, David (1982). *Exclusion Clause in contract*, sweet &Maxwell
37. Viney, Genevieve (1989). Introduction A La Responsabilite, L.G.D.I
38. Weill, Alex & Francois, Terre (1980). *Obligation (Law)*, Dalloz.
39. zhen, jing, Ling zhu and xiuhua pan (2017). “Marine Insurance Warranty: comparind common and civil law approaches and their implication for the reform of Chinese law”, *Journal Of Business Law*, 3, 218-236 Accessed: https://research.bangor.ac.uk/portal/files/17747209/2017_Marine_Insurance_warranty.pdf (Accessed 1march 2022)



Research Paper

The Clause Forfeiture in Insurance Contract

Mahmood Kazemi*

*Associate Professor, Department of Private Law, University of Tehran
Tehran, Iran*

Mohsen Izanloo

*Associate Professor, Department of Private Law, University of Tehran
Tehran, Iran*

Mohammad Karbalee

*PhD Candidate in Private Law, Faculty of Law & Political Sciences,
University of Tehran*

Abstract

In the insurance contract, assuming the fulfillment of the contractual conditions, the insurer is obliged to fulfill his obligation, to compensate the loss. Sometimes, despite the fulfillment of the conditions for claiming contractual rights for the policyholder (realization of contractual risk), based on the fulfillment of a matter that is typically a breach of obligation by the policyholder, the insurer is released from its obligation, which is interpreted as "Forfeiture ". The basis of this fall of the right can be according to the law or contractual condition. In foreign legal systems, the validity of the clause in the insurance contract is limited to specific cases and subject to compliance with conditions. In French law, the condition of "Forfeiture" is subject to limitations, both in terms of nature and form. In terms of form, the clause must be binding, in the sense that the insured must know precisely which of his obligations the forfeiture of the right is. It should also be written in clear and bold terms. From a substantive point of view, according to the law of December 31, 1989, it is effective only when the insurer proves that the loss occurred as a result of the policyholder's non-obligation. In the law of England, due to the seriousness of the guarantee of the implementation of the breach of warranty in the law of 1906, fundamental reforms were made

* Corresponding Author
Received :25 July 2022 , Accepted: 28 September 2022

Email: makazemy@ut.ac.ir
© University of Tehran

in the insurance law of 2015 and in articles 10 and 11 of the insurance law, it is stipulated that the breach of the warranty does not exempt the insurer from the obligation to compensate the damage, but with the breach of the warranty, the insurer's obligation to will be suspended. In addition, the insurer cannot refuse to compensate the damage by using the breach of warranty even if it is not related to the damage. In Iranian law, in Article 15 of the Insurance Law, this ruling is provided for the obligation to inform about the occurrence of an accident and to try to deal with the damage, but regarding whether the parties to the insurance contract can agree on this in other cases as well, or it should be considered limited to legally authorized cases, there is no text. In addition, the law is silent about the legal nature of this condition. The importance of examining the "condition of Forfeiture" is that such a condition is widely used by insurers in insurance contracts. While the provisions of this condition, the collapse of the most important effect of the insurance contract (one of its two cases); It means "Insurer's obligation to compensate". In addition, the explanation of the legal nature of this performance guarantee can help to explain the various aspects of this institution and the conditions of its impact on the legal relationship of the parties and adjust the superior position of the insurer in concluding the contract according to the supplementary nature of the insurance contract. The current research is an applied research and the method of collecting information is a library. The author's research method is descriptive, analytical and critical. The fundamental question is what is the legal nature of the " Forfeiture" in insurance contracts; furthermore, what are its validity conditions? It seems that the nature of this clause is "Falling Obligation" and can be analyzed in the form of causes of falling of obligations and it cannot be considered as a "Exclusion Clause" and the validity of this clause must be confirmed in the insurance contract based on the principle of contractual freedom. This research work is considered fundamental and at the same time practical, which tries to be discussed with an analytical approach and with descriptive, qualitative aspects and using library data to the extent necessary to conduct the research. In order to achieve this, first, according to the background, the required sources were prepared from Persian, English and French legal books and articles, and then according to their content and the analysis of the contents, the desired results, including the explanation of the legal nature of Clause Forfeiture in The insurance contract and its credit terms and conditions were obtained.

Keywords: Forfeiture, Exclusion Clause, Limitation Clause, Cross-Claim, Conditional Release.

Declaration of conflicting interests

The authors declared no potential conflicts of interest with respect to the research, authorship, and/or publication of this article.

Funding

The authors received no financial support for the research, authorship, and/or publication of this article.

ORCID iDs: <https://orcid.org/0000-0003-1529-4411>



This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC-BY) license.